

تخفیف مجازات در حقوق ایران و چگونگی اعمال آن

حسین مظهري^۱ تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۲۰
اکبر وروایی^۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۵

چکیده:

هدف اصلی از تاسیس حقوقی تخفیف مجازات از ابتدا تاکنون در راستای اصل فردی کردن مجازات‌ها و اصلاح و بازپروری مجرمین و آماده کردن آنان جهت ورود به اجتماع و جلوگیری از تکرار جرم و دور نگهداشتن مجرمین غیر حرفه‌ای از مجرمان حرفه‌ای در زندان و همچنین کاستن از بار مسئولیت زندان‌ها و دوری از هزینه‌های متفرقه و بدون بهره اجتماعی می‌باشد. رسیدن به این هدف جز با تصویب قوانین مناسب و اجرای دقیق و صحیح قوانین مذکور از سوی قضات دادگاه‌های بدوی، تجدید نظر و دادیاران اجرای احکام محقق نخواهد شد. در این میان شیوه مورد استفاده از سوی قضات در اعمال مقررات تخفیف و تبدیل مجازات در موارد گوناگون محل بحث و بررسی بوده به نوعی که در بسیاری از دادگاه‌ها در ایران رویه‌های گوناگونی در این مورد اعمال می‌گردد که این امر باعث تشویش افکار عمومی و سردرگمی آحاد مردم و حقوق‌دانان گردیده است. لذا با بررسی موانع و مشکلات موجود در مسیر اجرای تاسیس حقوقی تخفیف مجازات یکی از مسایل مهم که می‌تواند در کاهش تکرار جرم و همچنین کاهش جمعیت کیفری تاثیر گذار باشد، تخفیف مجازات است.

در این مقاله با هدف تبیین وضعیت موجود، قوانین تصویب شده از سال ۱۳۰۴ تا کنون و نقایص و مزایای آن‌ها و همچنین تاسیس حقوقی تخفیف مجازات، اصول و راه‌کارهای اعمال تخفیف مجازات از نگاه رویه قضایی به عنوان روش و ابزار جهت رسیدن به هدف قانون‌گذار مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

کلمات کلیدی: تخفیف مجازات، حقوق کیفری، دادگاه، مجرم مجازات تعزیری.

mazhari_2366@yahoo.com

^۱ دانشجوی دکترای رشته حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

Dr.akbarvarvaei@yahoo.com

^۲ استاد تمام دانشگاه رازی، گروه حقوق، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

یکی از مهمترین اصولی که در حقوق کیفری ایران مورد قبول واقع شده است، اصل فردی کردن مجازات است. قاضی کیفری موظف است با استفاده از ابزار خاصی که قانونگذار در اختیار او قرار داده است، به منظور تامین هر چه بیشتر اهداف مجازات، با در نظر گرفتن خصوصیات خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... متهم، مجازاتی متناسب با وضعیت وی مورد حکم قرار دهد و پس از صدور حکم نیز این وظیفه را ادامه دهد. موضوع تخفیف مجازات، از جمله موضوعاتی است که در دوره های مختلف روند متفاوتی را طی نموده است. به منظور جلوگیری از خودکامگی قضات، در بدو امر قانونگذار نظام مجازات ثابت را تصویب کرده بود، لکن با توجه به تحولات و پیشرفت هایی که در علوم جنایی و جرم شناسی حاصل شد، کمتر حقوقدانی یافت می شود که به کارآیی و سازنده بودن مجازاتهای ثابت اعتقاد داشته باشد. امروزه در سیستمهای مختلف حقوقی، نظام مجازات های دارای حداقل و حداکثر، پذیرفته شده و قاضی کیفری در صورت احراز ضرورت، حتی می تواند مجازاتی کمتر از حداقل مجازات مقرر در قانون را نیز مورد حکم قرار دهد یا اینکه آن را به مجازات متناسب دیگری تبدیل نماید. در قوانین کیفری ایران، اعم از قوانینی که قبل و یا بعد از پیروزی انقلاب وضع شده اند، مقرراتی راجع به تخفیف مجازات دیده می شود که در این مقاله به آن اشاره خواهد شد

۱. مفهوم اصطلاحی تخفیف

مفهوم اصطلاحی تخفیف در راستای معنوی لغوی آن است. هر چند حقوق دانان کمتر به تعریف تأسیس حقوقی تخفیف مجازات پرداخته اند. از دیدگاه حقوقدانان، تخفیف مجازات به فرآیندی اطلاق می شود که به موجب آن دادگاه در مقام صدور حکم، مجازاتی کمتر از حداقل مقرر در قانون را در مورد متهم تعیین می کند و یا در برخی موارد مجازات قانونی را به مجازات دیگری که مناسب تر به حال متهم باشد تبدیل می نماید. (آقایی نیا، ۱۳۷۷: ۱۰-۱۱) تخفیف مجازات عبارت از، کاستن میزان مجازات تعزیری یا بازدارنده ی متهمی که به جبهتی از جهات مخففه قانونی مستحق تخفیف است. بنابر این منظور از تخفیف مجازات، کاستن از میزان مجازات یک جرم در مورد محکوم، به علت عذر های قانونی موجب تخفیف و یا اوضاع و احوال موجب تخفیف می باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۶۱۶) منظور از تخفیف مجازات این است که قاضی میزان مجازات را از حداقل تعیین شده در قانون کم تر و خفیف تر نماید و الاحکام مجازات به حداقل قانونی، تخفیف مجازات محسوب نمی

گردد (ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۲۰). جهات اعمال تخفیف مجازات های تعزیری در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ احصاء شده است.

۲. اقسام تاسیس حقوقی تخفیف مجازات

حقوق دانان، کیفیات مخففه مجازات را به دو دسته «کیفیات مخففه قانونی» و «کیفیات مخففه قضایی» تقسیم می کنند. با این توضیح که، گاهی قانون گذار به ضرورت به تخفیف مجازات حکم می کند که این گونه تخفیف را «کیفیات مخففه قانونی» می نامند و گاهی قاضی دادگاه اختیار تخفیف مجازات را پیدا می کند که آن را «کیفیات مخففه قضایی» می نامند (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۱۴۲-۱۵۰).

۲-۱. تخفیف مجازات قانونی

معاذیر قانونی یکی از موارد اعمال تخفیف مجازات است که در قوانین متفرقه و قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است. معاذیر قانونی یا تخفیف قانونی، موجباتی است که در قوانین کیفری و در جرایم خاصی پیش بینی شده است و در صورت وجود آن ها، قاضی ملزم است که مجرم را از مجازات معاف کرده یا وی را مشمول تخفیف مجازات قرار دهد. بنابراین در کیفیات مخففه قانونی، همین که قاضی یقین به اعمال آن ها پیدا کند، در زمان صدور حکم موظف است نسبت به اعمال این کیفیات اقدام نماید. معاذیر قانونی با جهات مخففه ی مجازات، تفاوت هایی دارد از جمله این که اولاً دادگاه ملزم به رعایت معاذیر قانونی است، اما در اعمال جهات مخففه مجازات قاضی اختیار دارد، ثانیاً میزان تخفیف مجازات معمولاً در معاذیر قانونی مشخص می گردد، لیکن در جهات مخففه، تخفیف مجازات میزان مشخصی ندارد.

معاذیر قانونی به دو دسته تقسیم می شود:

الف) معاذیر قانونی تخفیف دهنده، به عنوان مثال می توان به تبصره ذیل ماده ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) اشاره کرد. بر اساس این تبصره، در صورتی که مرتکب جرم موضوع ماده قانونی مذکور از بستگان درجه یک متهم باشد، میزان مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.

ب) معاذیر قانونی معاف کننده که به عنوان مثال می توان به ماده ۵۰۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) اشاره کرد. مطابق این ماده قانونی، «هرکس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می کنند، بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع

دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصا مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.»

۲-۲. تخفیف مجازات قضایی

علاوه بر کیفیات مخففه قانونی، کیفیات مخففه ی دیگری نیز وجود دارد که در اختیار دادگاه ها است و «کیفیات مخففه قضایی» نامیده می شود. اعمال این کیفیات، وقتی است که دادگاه ها به دلایلی صدور حکم مجازات مقرر قانونی را برای مجرم سنگین می دانند و رعایت اعمال تخفیف در مجازات متهم را ضروری می شناسند. هر چند اعمال این کیفیات به نظر قاضی واگذار شده، اما این بدان معنا نیست که قاضی از اختیار تام جهت اجرای تخفیف مجازات برخوردار است. زیرا در این خصوص نیز قانون حدود اعمال این کیفیات را مشخص ساخته است. چرا که اگر اختیار دادگاه ها در مورد اعمال کیفیات مخففه مطلق باشد یا مسأله تخفیف به طور کامل به قاضی واگذار شود، امکان غلبه احساس و عاطفه بر عقل و قانون و اعمال سلیقه شخصی پیش می آید و موجب تزلزل در اصل قانونی بودن جرم و مجازات می شود، به همین دلیل قانونگذار جهات کیفیات مخففه قضایی را در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین و اعلام کرده است.

۳. اصل فردی کردن واکنش

مطابق اصل تناسب مجازات با مجرم، مجازات نه تنها باید با جرم متناسب باشد، بلکه تناسب آن با شخصیت مجرم نیز ضروری است. اصل فردی کردن مجازات ها که بیانگر این معناست، ناشی از تکامل حقوق کیفری در سیر توجه به فاعل عمل مجرمانه و شخصیت اوست. بر این اساس فردی سازی مجازات، تصحیح مجازات مبتنی بر نیازهای مجرم به عنوان یک فرد است. مهم ترین وجه فردی سازی مجازات در مرحله ی قضاوت مربوط به اختیارات قاضی در تعیین نوع و میزان مجازات است. در نظام کیفری ایران، نهاد توبه را نیز می توان یکی از اقدامات فردی سازی در مرحله قضاوت تلقی کرد. به طور خلاصه اختیار تعیین مجازات بین محدوده ی مشخص شده، انتخاب نوع مجازات، تبدیل مجازات، تقسیط و تخفیف مجازات یا تشدید قضایی مجازات ها از نمونه های شناخته شده این اختیارات در حقوق عرفی است.

۴. کیفر زدایی

اگر چه اصطلاح کیفرزدایی بیشتر در ادبیات مربوط به برنامه های کنترل اعتیاد (مواد مخدر و الکل) استفاده می شود، لیکن مفهوم و گستره ی آن مورد اختلاف است، به گونه ای که سه رویکرد «مسیر محور»، «کامل» و «جزیی» در رابطه با مفهوم و گستره ی سیاست کیفر زدایی قابل تصور می باشد:

الف) رویکرد کیفرزدایی مسیر محور:

در کیفرزدایی «مسیر محور»، مسیر رسیدگی های قضایی به گونه ای مدیریت می شود که در نهایت منجر به محکومیت کیفری و اعمال مجازات نشود. در این معنا، کیفر زدایی به طور تقریبی با مفهوم قضا زدایی پیوند می خورد (نجفی ابرند آبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۳: ۱۳۷)

ب) رویکرد کیفر زدایی «کامل»:

این رویکرد، با مفهوم جرم زدایی پیوند داده می شود. برخی تصریح کرده اند دو اصطلاح کیفر زدایی و جرم زدایی به جای یکدیگر استفاده می شوند از این رو دو اصطلاح مفهومی مشابه هستند (نجفی ابرند آبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۳: ۹۰).

پ) رویکرد کیفرزدایی «جزیی»:

در این رویکرد، کیفرزدایی به معنای کاهش سطح مجازات و اعمال کیفیات مخففه در مورد برخی از جرایم خاص (عموما جرایم خرد) در نظر گرفته شده است. در واقع این فرایند از طریق تعدیل کیفر گذاری و کیفر انجام پذیر دانسته می شود.

بر این اساس، منظور از تعدیل کیفر گذاری (کیفر زدایی قانونی) آن است که مجازات یک جرم به لحاظ کیفیت یا کمیت در قانون تعدیل شود. در فرایند تعدیل کیفر دهی (کیفر زدایی قضایی یا واقعی) نیز با وجود آن که ضمانت اجراءهای کیفر یک جرم در قانون مشخص شده اند، به استناد همان قانون یا قوانین دیگر، نهاد ها و ساز کارهایی تعیین می شوند تا دادرس به طور اختیاری یا اجباری کیفر قانونی را مورد جرح و تعدیل قرار دهد تا از جنبه کیفی یا کمی شدت آن کاسته شود. از این رو، این نوع کیفرزدایی در اختیار دادرسان بوده و جنبه ی قضایی دارد.

۵. زندان زدایی

مجازات های حبس دارای آثار سویی است که مرتکب جرم، خانواده او و در کل، جامعه را متضرر می سازد و منافع آن کمتر از هزینه های آن است. از این رو، امروزه سیاست حبس زدایی به عنوان یکی از مصادیق کیفر زدایی، مورد توجه سیاست گذاران عمومی بوده است. توجه به آثار سوء مجازات حبس و توجه به این نکته که قانونگذار با وضع مجازات حبس به عنوان یکی از مجازات های اصلی از نظام حقوقی و قضایی اسلام فاصله گرفته باعث شده، امروزه در کنار سیاست های جرم

زدایی و قضازدایی، سیاست کیفر زدایی نیز مورد توجه قانونگذار قرار گیرد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۰: ۶۸). یکی از بارزترین مصادیق سیاست کیفرزدایی تبدیل مجازات حبس به مجازات های جایگزین است که دارای آثار سوء کمتری می باشد. این راهبرد که در سیاست های کلی نظام مورد توجه قرار گرفته است در قوانین عادی نیز جلوه هایی داشته که از آن جمله می توان قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ اشاره کرد. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قانونگذار از سویی اقدام به وضع مقرراتی کرده است که موجب کاسته شدن میزان حبس ها می شود، و از سوی دیگر وضع برخی از مقررات از جمله معافیت از مجازات، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی، نظارت الکترونیکی، مجازات های جایگزین حبس و اعمال کیفیات مخففه به حبس زدایی منتهی شده است.

۶. سیر قانونی تاسیس حقوقی تخفیف مجازات در ایران

در خصوص تاسیس حقوقی تخفیف مجازات، در کشور ما قوانین متعددی به تصویب رسیده که در این قسمت با رعایت اختصار توضیحاتی پیرامون این قوانین ارائه خواهیم داد:

۱-۶. قوانین قبل از انقلاب ۱۳۵۷

قبل از پیروزی انقلاب مشروطه در ایران قانون مصوبی در تمامی زمینه ها از جمله در خصوص جرایم و مجازات ها وجود نداشت. بعد از استقرار مشروطیت و تصویب قانون اساسی و متمم آن، مقررات کیفری به صورت پراکنده از تصویب مجلس شورای ملی می گذشت. این مقررات سیستم کیفری ایران را به طور کامل مشخص نمی کرد. آنچه از مقررات مذکور بر می آمد، این بود که، مجازات بدنی اصولاً متروک و زندان و جزای نقدی به عنوان جزای مجازات های اصلی پذیرفته شد. با توجه به اینکه سیستم عدالت کیفری منحصرأ مربوط به یک نوع مجازات نیست و موضوعات دیگر نیز در تعیین نظام کیفری موثر است، لذا تصویب قانونی مشتمل بر کلیه ی مباحث با عنوان قانون مجازات عمومی ضروری می نمود.

بر این اساس وزیر وقت دادگستری به اتکاء قانون اجازه اجرای لوایح قانونی پیشنهادی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون عدلیه مصوب ۱۰ عقرب ۱۳۰۳ لایحه قانون مجازات عمومی را تهیه و تقدیم کمیسیون نمود. این لایحه مشتمل بر ۲۸۰ ماده بود که در دو قسمت، قسمت اول آن از ماده یک تا آخر ماده ۱۶۹ در تاریخ ۲۳ دی ماه و قسمت دوم از ماده ۱۷۰ الی آخر در تاریخ ۷ بهمن ماه

۱۳۰۴ هجری شمسی از تصویب کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی گذشت. این قانون از قانون مجازات عمومی فرانسه سال مصوب ۱۸۱۰ با اصلاحات بعدی آن اقتباس شده بود، در این قانون مکتب نئوکلاسیک نفوذ فراوان دارد، یعنی هم نفع اجتماعی منظور شده و هم عدالت مورد توجه قرار گرفته است (باهری، ۱۳۹۴: ۹۴).

به موجب ماده ۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ شمسی، «جرم از حیث شدت و ضعف مجازات ها به چهار نوع تقسیم می شود: ۱. جنایت ۲. جنحه مهم ۳. جنحه کوچک (تقصیر) ۴. خلاف» در ماده قانونی مرقوم و مواد بعدی نوع جرایم عنوان نشده است، بلکه برای هر عمل مجرمانه مجازاتی پیش بینی گردیده که با توجه به آن می توان نوع آن را تشخیص داد. به عنوان مثال ماده ۱۷۰ قانون مذکور مقرر داشته: «مجازات مرتکب قتل عمدی اعدام است، مگر در مواردی که قانونا استثناء شده باشد.» بنابر این چون اعدام جزء مجازات های اصلی جنایت است، بنابراین «قتل عمد جنایت و مشمول مقرراتی است که قانون در مورد این نوع جرایم اجرا می کند.

بدیهی است ضابطه ی تشخیص هر کدام از انواع جرایم چهار گانه فوق میزان مجازات قانونی جرم معنون بوده که در مواد ۹۸ و ۹۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ قانون فوق تعیین و احصاء گردیده، نه مجازاتی که در حکم دادگاه تعیین شده است.

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، مواد ۴۳ تا ۴۶ به تخفیف مجازات اختصاص داشت مطابق ماده ۴۳ این قانون «هیچ جنایت یا جنحه را نمی توان عفو نمود و یا مجازات آن را تخفیف داد مگر در مواردی که قانون آنرا قابل عفو دانسته یا در مجازات آن تخفیفی داده است.»

برطبق ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ کیفیات مخففه در مورد کلیه ی جرایم جنایی قابل اعمال است و هر مجازات جنایی رامی توان با رعایت اوضاع و احوال و مقررات قانونی نسبت به حداقل تخفیف داد.

مضافا این که مطابق ماده ۴۵ قانون مذکور کیفیات مخففه در مورد کلیه ی جنحه ها قابل اعمال بوده و مجازات این نوع از جرایم با رعایت اوضاع و احوال به موجب مقررات قانونی نسبت به حداقل قابل تخفیف می باشد.

بر اساس این قانون، با توجه به قلت مجازات جرم جنحه کوچک و خلاف، اعمال کیفیات مخففه در مورد اعمال نشده است. بدیهی است قانونگذار می تواند رعایت کیفیات مخففه را در مورد جرم معینی ممنوع کند در این صورت قاضی نمی تواند اوضاع و احوالی را که مقتضی تخفیف است در نظر گرفته و مجازات را از حداقل تنزل دهد. ملاحظات قانون گذار در منع اعمال کیفیات مخففه نسبت به ملاحظات قاضی اولویت دارد.

در راستای اعمال این اختیارات قانونی، ماده ۴۵ مکرر قانون مذکور نیز که در تاریخ ۱۳۱۳/۳/۱۵ به تصویب رسیده است چنین مقرر می‌دارد: «در موارد تکرار یا تعدد جرم و همچنین در کلیه مواردی که مطابق قانون، مجرم باید به حداکثر مجازات محکوم شود، هرگاه محکمه موجبات تخفیف مجازات را موجود بداند، می‌تواند مرتکب را به کمتر از حداکثر محکوم کند بدون اینکه بتواند مجازات را به کمتر از حداقل تنزیل دهد و هرگاه مجازات مقرر بدون حداقل و اکثر باشد محکمه می‌تواند در مورد حکم اعدام و حبس دائم یک درجه و در سایر موارد فقط تا معادل یک ربع از میزان جزای اصل عمل را تخفیف دهد.»

ماده ۴۶ قانون مرقوم نیز اختیار قاضی در اعمال کیفیات مخففه در مورد مجازات قانونی بزه قتل عمدی محدود کرده و مقرر می‌دارد: «در حق مردانی که عمر آنها متجاوز از شصت سال است و همچنین کلیه زن‌ها، حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمی‌شود و مجازات آنها به حبس مجرد تبدیل خواهد شد مگر اینکه حکم برای ارتکاب به قتل عمدی صادر شود.»

۲-۱-۶. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲

لایحه قانونی مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در سال ۱۳۵۲ اصلاحات اساسی به خود دید و آخرین تحولات حقوق جزا در آن اعمال گردید.

با تصویب قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، مسئله‌ی کیفیات مخففه برای جنایت و جنحه توامادر ماده ۴۵ پیش بینی شده، و ماده ۴۴ به مسئله‌ی دیگری اختصاص یافت و در مقررات سابق تغییراتی ایجاد کرد.

در ماده ۴۵ قانون مذکور بعضی از جهات کیفیات مخففه ذکر گردیده و بر اساس این ماده پیش بینی این علل و جهات جنبه حصری نداشته و قاضی می‌تواند علل دیگری را هم که موثر در مسئولیت جزایی می‌داند، برای تخفیف مجازات مورد توجه قرار دهد.

برخلاف قانون مجازات فرانسه که هر سه نوع جرایم جنایت و جنحه و خلاف ممکن است مشمول مجازات خلاف قرار گیرد، در قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ (که مقتبس از قانون فرانسه بود) تنها در جرایم جنایت و جنحه دادگاه می‌تواند در صورت احراز کیفیات مخففه حکم به تخفیف مجازات دهد. حکم قانون گذار ایران ظاهراً بر پایه‌ی این واقعیت قرار داشت که در جرایم از نوع خلاف، مجازات‌ها ساده و خفیف بوده و لطمه‌ای به آبرو و حیثیت اجتماعی محکوم وارد نمی‌آورند و از این رو تخفیف مجازات ضرورتی ندارد. (صانعی، ۱۳۸۲: ۷۵۰) این نظر قابل انتقاد است، زیرا از آن جایی که مجازات از هر نوع آن نمایان گر واکنش نامساعد جامعه در مقابل مجرمین است، و ممکن

است در بعضی موارد تأثیر سوء در روحیه ی کسی داشته باشد که مرتکب جرم از نوع خلاف شده است، بنابر این بهتر بود قانونگذار علل و جهات تخفیف را در مورد جرایم از نوع خلاف را رعایت می کرد.

نحوه و میزان تخفیف مجازات- در صورت وجود کیفیات مخففه- در ماده ۴۶ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ پیش بینی شده بود. در بعضی از مواد قانونی مقرر گردیده که در صورت وجود شرایط خاص، که معمولاً به کیفیات مخففه پیش بینی در قانون شباهت دارد، مجازات مرتکب به شکل و میزان معین تخفیف پیدا می کند. بدیهی است مطابق قاعده منع جمع کیفیات مخففه، در این گونه موارد نمی توان مرتکب جرم را دو بار مشمول مقررات مربوط به تخفیف مجازات قرار داد. بر این اساس در تبصره ۲ ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ مقرر شده بود: «در مواردی که نظیر کیفیات مخفف مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی تواند به موجب همان کیفیات دوباره مجازات متهم را تخفیف دهد.»

در خصوص اعمال کیفیات مخففه در موارد تکرار و تعدد جرم که ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۳ در مورد آن تعیین تکلیف نموده بود، مقرراتی در ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ و تبصره ۳ آن ماده و نیز بند ح ماده ۳۲ قانون مذکور وضع گردید، که به لحاظ رعایت اختصار از تحلیل آن اجتناب می شود.

۲-۶. قوانین بعد از انقلاب

همانطور که اشاره شد، اولین قانون مجازات ایران، در سال ۱۳۰۴ با نام قانون مجازات عمومی و در ۲۷۹ ماده به تصویب رسید و اصلاحات زیادی از جمله اصلاحات اساسی در سال ۱۳۵۲ به خود دید تا این که در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۲۷ منسوخ اعلام شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ و نسخ قانون مجازات عمومی، عنوان قانون مجازات عمومی به تاریخ سپرده شد و عنوان قانون مجازات اسلامی با تغییرات بنیادین و اساسی ماهوی جایگزین آن شد. مهم ترین قوانین مجازات اسلامی که پس از انقلاب اسلامی به تصویب رسید، عبارتند از: قانون راجع به مجازات اسلامی مشتمل بر ۴۱ ماده در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۲۱، قانون حدود و قصاص و مقررات آن مشتمل بر ۲۱۸ ماده در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۳، قانون مجازات اسلامی (دیات) مشتمل بر ۲۱۱ ماده در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴، قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مشتمل بر ۱۵۹ ماده در تاریخ ۱۳۶۲/۵/۱۸ به تصویب رسید و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که مشتمل بر کلیات، حدود، قصاص و دیات بود و قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ که

اختصاص به تعزیرات دارد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جایگزین قانون مجازات اسلامی سابق شد. قانون جدید مشتمل بر ۷۲۸ ماده و دارای مباحث کلیات، حدود، قصاص و دیات می باشد و مبحث تعزیرات در قانون جداگانه ای آمده است.

۱-۲-۶. قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید کلیه ی قوانین مطابق با شرع می شد و قانون جزا از حساسیت ویژه ای برخوردار بود. با توجه به تفاوت اساسی و مبنایی نظام فقهی اسلامی در زمینه جرایم و مجازات ها با نظام های عرفی، قانونگذار اسلامی درصدد تحول مبنایی در قوانین کیفری بر آمد.

بر همین مبنا، مقررات قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ از جمله مواد مربوط به تخفیف مجازات قانون مذکور که تا سال ۱۳۶۱ لازم الاجراء بود در این سال در راستای ضرورت اسلامی شدن مقررات جزایی، قانون راجع به مجازات اسلامی به تصویب رسید و جایگزین قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ گردید. در قانون راجع به مجازات اسلامی تقسیم بندی سابق جرائم به جنایت و جنحه و خلاف از بین رفت و جرائم به حدود و قصاص و دیات و تعزیرات تقسیم شدند. ماده ۳۵ این قانون به موضوع تخفیف مجازات اختصاص داشت.

بر اساس ماده مذکور:

الف) تخفیف مجازات به جرائم تعزیری اختصاص دارد و در خصوص سایر جرائم مذکور در قانون راجع به مجازات اسلامی (حدود، قصاص، دیات) امکان تخفیف مجازات وجود ندارد.

ب) اعمال کیفیات مخففه در خصوص جرائم تعزیری از اختیارات دادگاه است.

پ) مصادیق کیفیات مخففه، به صورت تمثیلی بیان شده نه حصری و امکان این وجود دارد که محکمه جهات دیگری نیز به عنوان علل مخففه مد نظر قرار دهد.

ت) برخلاف بند ۵ ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ که به حسن سابقه متهم به عنوان یکی از جهات تخفیف اشاره نموده است، در ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی به سابقه متهم اشاره شده است.

پرسشی که در اینجا مطرح می شود این است که با توجه به تغییر مذکور، منظور از سابقه مذکور در ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی چیست؟ بنظر می رسد هر چند عبارت دو قانون مار الذکر متفاوت می باشد و تغییر در عبارت ایجاد شده است، ولی در منظور قانونگذار تغییری ایجاد نشده است، به عبارت دیگر منظور قانونگذار از عبارت سابقه متهم در ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات

اسلامی، سابقه ای است که به اتکاء آن می توان استحقاق متهم را در باب استفاده از تخفیف، استنباط نمود و بدیهی است که چنین سابقه ای جز حسن سابقه چیز دیگری نخواهد بود (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۳۴۷).

نکته دیگری که بیان ضروری است، این است که، هر چند مطابق تبصره ۳ ماده ۳۵، اعمال کیفیات مخففه در خصوص تعدد جرم صریحاً مجاز شمرده شده، لکن در خصوص تکرار جرم حکمی مقرر نگردیده است ممکن است تصور شود که از مفهوم مخالف تبصره مذکور میتوان ممنوعیت اعمال کیفیات مخففه در مورد تکرار جرم را استنباط نمود، لکن به نظرمی رسد این تصور صحیح نیست و حکم مسئله را از مفهوم مخالف تبصره مذکور نمی توان استنباط نمود. به تعبیر دیگر تبصره مذکور فاقد مفهوم مخالف است و باتوجه به عدم تصریح به ممنوعیت اعمال کیفیات مخففه در خصوص تکرار جرم، اعمال کیفیات مذکور بلامانع است و ذکر تبصره ۳ در خصوص تعدد جرم نیز از باب تاکید است. تفسیر به تفهیم نیز موید این نظر است.

مطابق ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی، اعمال کیفیات مخففه در خصوص جرائم تعزیری بدون هیچگونه حد و حصری ممکن بود و دادگاه می توانست در صورت احراز جهات مخففه مجازات مرتکب را تا هر میزان که بخواهد تخفیف دهد، یا اینکه آن را به مجازات دیگری تبدیل کند. در این جا ذکر چند نکته ضروری است:

نکته اول (مقررات ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی تا سال ۱۳۶۷ در خصوص کلیه جرائم تعزیری لازم الاجراء بود تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی رسید و محدودیت هایی در رابطه با اعمال ماده ۳۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص برخی از جرائم ایجاد نمود.

تبصره ۱ ماده ۱ قانون مذکور در خصوص تخفیف مجازات جرم کلاهبرداری چنین مقرر می دارد: «در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه دادگاه می تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف، مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمی تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد». بنابراین مطابق تبصره مذکور، دادگاه در صورت احراز جهات مخففه صرفاً می تواند مجازات مرتکب را تا حداقل مجازات مجازات حبس تخفیف دهد و نمی تواند حکم به کمتر از حداقل صادر نماید.

البته با عنایت به مطالبی که سابقاً در خصوص اختیار دادگاه در تعیین مجازات بین حداقل و حداکثر بدون توجه به کیفیات مخففه بیان کردیم، چنین نتیجه می گیریم که قانونگذار در این تبصره

اصولاً اعمال تخفیف مجازات رادر مورد بزه کلاهبرداری و بعضی جرایم دیگر مقرر در این قانون را ممنوع کرده و تبصره ذیل ماده ۲ و تبصره ۶ ماده ۵ قانون تشدید مجازات شاهد بر این مدعاست.

نکته دوم) با عنایت به اینکه قانونگذار در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱، تغییراتی در مجازات برخی از جرائم به وجود آورده، اشاره مختصری به قانون مذکور ضروری بنظر می رسد.

مطابق بند ۱ تبصره ۱۷ قانون مذکور: «در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد از این پس به جای حبس یا آن مجازات تعزیری، حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال داده خواهد شد، و هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال بدهد، در صورتی که در موارد فوق حبس و یا سایر محکومیت های تعزیری موضوع تخلفات رانندگی با جزای نقدی باشد و به جای حبس یا آن مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد، هر دو جزای نقدی با هم جمع خواهد شد.»

پس از وضع قانون مذکور، در خصوص امکان اجرای ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی در خصوص مواردی که مشمول تبصره مذکور می گردد، نظریات مختلفی از طرف حقوق دانان ابراز گردید: گروهی معتقد بودند که تبدیلی که قانونگذار در تبصره ۱۷ مقرر کرده است خود از مصادیق تخفیف مجازات است و بدین دلیل چون اعمال ماده ۳۵ قانون فوق الاشعار به معنای تخفیف مجدد و مضاعف می باشد، فلذا اجرای ماده مذکور در خصوص موارد مشمول تبصره امکان پذیر نیست. درمقابل عده ای نیز معتقد بودند اجرای تبصره ی مذکور منصرف از اجرای مقررات کیفیات مخففه می باشد و امکان اجرای ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی در موارد مشمول تبصره ۱۷ فراهم می باشد.

به نظر نویسنده، تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه مجازات قانونی برخی از جرائم را تبدیل نموده و در خصوص برخی از جرائم نیز تبدیل را در اختیار دادگاه قرار داده است و در این موارد علی الاصول ، رعایت ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی ، هیچگونه اشکالی ایجاد نمی کند. ظاهراً تفکیکی که در خصوص جواز و عدم جواز تخفیف به عمل آمده است ناظر به حبس و جزای نقدی است بدین توضیح که اعمال تخفیف در خصوص قسمت اخیر تبصره در مورد حبس جایز است و دادگاه می تواند حکم به کمتر از ۹۱ روز حبس صادر نماید، لکن در خصوص جزای نقدی اعمال کیفیات مخففه ممنوع است و دادگاه نمی تواند حکم به کمتر از ۷۰۰۰۱ ریال صادر نماید. به

نظر می‌رسد، چنین تفکیکی فاقد مبنای حقوقی است چرا که مجازات حبس و جزای نقدی بصورت تخییری مقرر شده و معلوم نیست به چه دلیل اعمال تخفیف در خصوص یکی از دو مجازات مذکور ممکن و در خصوص دیگری غیر ممکن است.

۲-۲-۶. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

با تصویب قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۱۳۷۰/۵/۸، قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ نسخ گردید. ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به تاسیس حقوقی تخفیف مجازات اختصاص داشت. ماده مذکور تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان اساس و محور تخفیف مجازات در حقوق ایران بوده و جایگزین برخی از مقررات سابق از جمله ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی شده بود. در مقام مقایسه بین ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی توجه به نکات ذیل ضروری است:

الف) برخلاف ماده ۳۵ که در آن تخفیف مجازات به مجازات های تعزیری اختصاص داشت، در ماده ۲۲ علاوه بر تعزیرات، به مجازات های بازدارنده نیز اشاره شده است. مجازات های بازدارنده از جمله مجازات هایی است که در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده و ماده ۱۷ قانون مذکور نیز آن را تعریف کرده بود.

ب) مطابق ماده ۲۲، دادگاه در مقام اعمال تخفیف می‌تواند مجازات تعزیری و یا بازدارنده را به مجازات متناسب دیگری تبدیل نماید در حالیکه در ماده ۳۵ از امکان تبدیل مجازات ذکری به میان نیامده بود البته باید دانست با توجه به اینکه تبدیل مجازات، خود از مراتب تخفیف می‌باشد، در زمان حاکمیت ماده ۳۵ نیز رویه قضایی تبدیلی مجازات را پذیرفته بود، با وجود این به منظور رفع هرگونه شک و تردید ماده ۲۲ صریحاً به این موضوع اشاره نموده است.

پ) جهات مخففه در ماده ۲۲ بصورت حصری پیش بینی شده در حالیکه در ماده ۳۵ با ذکر عبارت از قبیل جهات مذکور بصورت تمثیلی پیش بینی شده بود (نوربها، ۱۳۸۳: ۴۲۹: وزارت، ۱۳۸۱: ۳۷). به جز موارد فوق الذکر، مادتين ۲۲ و ۳۵ از جهات دیگر یکسان بوده و اختلافی با هم ندارند و بدین جهت از توضیح بیشتر پیرامون آن خودداری کرده و صرفاً به چند نکته اشاره می‌کنیم:

نکته اول) در خصوص تعارض مقررات ماده ۲۲ قانون فوق الذکر با مقررات تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و امکان جمع آنها دو نظریه ارائه شده است:

برخی معتقدند با عنایت به اینکه قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و ... یک قانون خاص و ماده ۲۲ قانون فوق‌الذکر یک قانون عام است و عام موخر علی‌الاصول نمی‌تواند ناسخ خاص مقدم باشد، فلذا مقررات قانون تشدید به اعتبار خود باقی است (مصدق، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

نظر دیگر که نگارنده نیز به آن معتقد است این است که با عنایت به ماده ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند ملغی است...» و اینکه مغایرت مقررات قانون تشدید با ماده ۲۲ امری بدیهی است، فلذا مقررات قانون تشدید در باب تخفیف مجازات به صراحت ماده ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی منسوخ می‌باشد. تفسیر به نفع متهم نیز موبد این نظر است.

نکته دوم) برخلاف آنچه در خصوص نسخ مقررات قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و ... در باب تخفیف مجازات گفته شد، در خصوص بند ۱ تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی و ...، همانطور که سابقاً گفتیم تعارضی بین مقررات مذکور و ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مشاهده نمی‌شود و با اعمال ماده اخیر الذکر می‌توان مجازات را از حداقل مقرر در تبصره ۱۷ (۹۱ روز حبس و ۷۰۰۰۱ ریال جزای نقدی) نیز تقلیل داد یا اینکه آن را به مجازات دیگری تبدیل نمود اما باید توجه داشت که تبدیل مجازات در فرض اول و دوم تبصره (مواردی که حداکثر مجازات جرمی ۹۱ روز حبس است و مجازات‌های تعزیری موضوع تخلفات رانندگی) به مجازات اصلی (مجازات‌هایی که قبل از تبصره ۱۷ در قانون پیش‌بینی شده است)، ممنوع است چرا که این امر موجب نقض غرض قانونگذار از تبدیل مجازات به شرح مقرر در تبصره ۱۷ می‌باشد.

نکته سوم) با عنایت به امکان تبدیل مجازات تعزیری و بازدارنده به مجازات متناسب دیگر در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و اینکه تعیین مجازات اخف و اشد در سیستم فعلی حقوق کیفری، با توجه به خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و ... متهم، بر عهده دادگاه می‌باشد. این سؤال مطرح می‌شود که چنانچه دادگاه مجازات متهم را تبدیل نماید و متهم در مقام اعتراض به حکم صادره مدعی شود که مجازات مقرر در حکم دادگاه متناسب با وضعیت وی نمی‌باشد و اجرای مجازات قانونی در خصوص وی مناسب‌تر است، تکلیف مرجع تجدید نظر چیست؟ به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه انتخاب مجازات متناسب با دادگاه می‌باشد، مرجع تجدید نظر می‌تواند به ادعای متهم ترتیب اثر نداده و حکم دادگاه بدوی را تأیید نماید، اما در صورتی که مرجع تجدید نظر ادعای متهم را صحیح تشخیص داده و مجازات مقرر در حکم بدوی را متناسب نداند، هیچ منعی برای پذیرش ادعای متهم و نقض حکم دادگاه بدوی و تعیین مجازات مناسب در مورد متهم وجود ندارد.

با توجه به آزمایشی بودن، قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ چندین مرتبه تمدید گردید. اگرچه دولت و قوه قضائیه، لایحه مجازات اسلامی را تقدیم مجلس شورای اسلامی نمودند اما به دلیل حساسیت های خاصی که نسبت به آن وجود داشت به تصویب نهایی نمی رسید. سرانجام این لایحه در سال ۱۳۹۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تایید نهایی شورای نگهبان رسید، اما باز هم چهره دائمی به خود نگرفت و کمیسیون قضایی مجلس با اختیار تفیضی از سوی مجلس شورای اسلامی، آن را به صورت آزمایشی به مدت پنج سال تصویب کرد.

فصل چهارم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشتمل بر مواد ۳۷، ۳۸ و ۳۹ به تاسیس حقوقی تخفیف مجازات اختصاص دارد. بر اساس مواد مذکور، تخفیف مجازات مخصوص مجازات های تعزیری است و در حدود، قصاص و دیات اعمال نمی شود (زرعت، ۱۳۹۲: ۱۱۴)، زیرا مجازات های آنها ثابت هستند و امکان تغییر در آن وجود ندارد. در ضمن اطلاق ماده ۳۷ نسبت به تعزیرات منصوص شرعی خلاف موازین شرعی است، اگر چه این اطلاق در ماده ۲۱۹ اصلاح شده است (توجهی، ۱۳۹۴: ۶۹). با توجه به بند اول ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی، امکان تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی یا سایر مجازات ها وجود ندارد. تقلیل مقرر در بند «ت» ماده ۳۷ نیز به معنای کاهش مدت حبس، نه اینکه تبدیل آن به جزای نقدی یا سایر مجازات ها. اگر چه محدود ساختن اختیار قضات در اعمال تخفیف نسبت به کیفر حبس و تقلیل آن فقط به حبس درجات پایین تر، با سیاست حبس زدایی مغایرت دارد. (توجهی، ۱۳۹۴: ۶۹) البته به موجب همین بند «ت» ماده ۳۷ امکان تبدیل مجازات شلاق به جزای نقدی {جریمه نقدی} وجود دارد.

ضمناً در خصوص مجازات حبس درجه ۸ { یعنی حبس تا ۳ ماه } از آنجایی که موضوع از مصادیق بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی است، بنابراین، دادگاه مکلف به تبدیل آن به جزای نقدی {جریمه نقدی} است. در خصوص پرونده های مشمول مقررات تکرار جرم، تخفیف مجازات فقط در قالب تقلیل امکان پذیر است و تبدیل ممکن نیست (رجوع شود به ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی). در خصوص پرونده های مشمول مقررات تعدد جرم، تخفیف مجازات به موجب تبصره ۳ ماده ۱۳۴ ممکن خواهد بود؛ لذا ماده ۳۷ در اینجا کاربردی ندارد. تخفیف مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی در خصوص اطفال و نوجوانان بر اساس ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی امکان پذیر خواهد بود، نه ماده ۳۷.

در طول سالیان متمادی، سیاست جنایی کشور مبتنی بر جرم‌انگاری‌های زیاد و عدم مسامحه با مجرمین بوده است. در اثر همین سیاست، زندان‌های کشور مملو از زندانیان شده است، تا آنجا که بیش از ظرفیت فعلی زندان‌ها، زندانی وجود دارد و همین امر باعث بروز مشکلات عدیده برای نظام قضایی و جمعیت کیفری کشور شده است. مضافاً این که بررسی‌های انجام شده در زمینه حقوق کیفری، گواه بر آثار زیان‌بار کیفر حبس است که علاوه بر فرد، خانواده وی و جامعه را نیز تحت تاثیر منفی خود قرار می‌دهد و هزینه‌های گزافی را برای نظام عدالت کیفری به بار می‌آورد به همین دلیل، قانونگذار در سال‌های اخیر به کیفر زدایی که یکی از مصادیق بارز آن مجازات حبس است توجه ویژه داشته است. آخرین اراده مقنن در حقوق کیفری ایران در این خصوص، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ است که با راهکارهایی چون کاهش مجازات حبس برای برخی جرایم، تغییر مقررات تعدد و تکرار جرم و تخفیف مجازات و ایجاد الگوی فرضی یا رهنمود محور در تعیین کیفر، مترصد کاهش جمعیت کیفری زندان بوده است.

ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، ضمن اصلاح ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، یک تبصره به آن الحاق نموده است. ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ تغییرات چندانی نداشته است، دو تغییر عمده در این ماده، امکان اعطای جزای نقدی در حبس‌های تعزیری درجه پنج و شش و هفت و ممنوعیت دادگاه به صدور حکم به کمتر از نود و یک روز حبس می‌باشد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قاضی اختیار داشت در صورت وجود یک یا چند جهت تخفیف، تمامی مجازات‌ها را یک تا سه درجه تقلیل دهد ولی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، این امر به جرایم درجه چهار و بالاتر اختصاص یافته است و برای جرایم درجه پنج و شش، یک تا دو درجه در نظر گرفته شده است و تنها تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر را ذکر کرده است.

همچنین در صورتی که پس از تخفیف، میزان حبس به کمتر از نود و یک روز کاهش یابد، الزاماً دادگاه باید حکم به مجازات جایگزین حبس بدهد و بر این اساس عملاً هیچ محکومی برای محکومیت به حبس کمتر از ۹۱ روز به حبس نخواهد رفت. بنابراین با لحاظ اصلاحات به عمل آمده به شرح مذکور:

الف) در حبس‌های درجه پنج و شش (حبس‌های شش ماه تا پنج سال) دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات تخفیف، به جزای نقدی نیز رای دهد.

ب) در حبس‌های درجه هفت، در صورت وجود جهات تخفیف، حبس منتفی بوده و دادگاه می‌بایست به جزای نقدی متناسب با درجه هفت حکم دهد.

پ) در حبس های درجه هشت که حبس های تا سه ماه محسوب می گردد، دادگاه در هر صورت موظف است که به جایگزین های حبس حکم دهد.

نکته جالب توجه در این خصوص این است که در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ فرضی را نیز که حبس متهم به هر دلیلی به زیر ۹۱ روز تقلیل پیدا کند را نیز مشمول این تبصره دانسته و دادگاه می بایست به جایگزین حبس حکم داده دهد. این در حالی است که سابقاً چنین رویه ای در قانون مشاهده نشده است. لذا با این تبصره بسیاری از محکومان می توانند تقاضای جایگزین حبس را به مرجع قضایی مربوطه تقدیم نمایند.

نتیجه گیری

با عنایت به آنچه گذشت، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ آخرین اراده قانون گذار در خصوص مقررات اعمال کیفیات مخففه است.

این قانون برای اصلاح پذیری بیشتر مجرم و تناسب جرم مجازات و رعایت اصل فردی کردن مجازات، دایره اختیارات مقامات قضایی را در اعمال کیفیات مخففه در تخفیف و تبدیل مجازات به ویژه مجازات حبس به مجازات دیگر که در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محدودیت هایی وجود داشت، توسعه داده است.

در تعدد و تکرار جرم که اعمال تشدید مجازات الزامی بوده، این قانون تا حدودی الزام در تشدید مجازات در وضعیت تعدد و تکرار جرم را برداشته و با تعیین شرایطی در اختیار مقام قضایی با وجود شرایطی گذاشته است و حتی اجازه اعمال تخفیف مجازات در حالات تعدد و تکرار جرم را نیز پیش بینی کرده است.

این قانون، دایره تعلیق اجرای مجازات را توسعه داده و حتی بخشی از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و جرایم کلاهبرداری و در حکم کلاهبرداری را با لحاظ میزان کلاهبرداری تا مبلغ یکصد میلیون تومان، امکان استفاده از تعلیق اجرای مجازات را فراهم کرده و نیز دایره استفاده از نظام نیمه آزادی و نظارت الکترونیکی را برای محکومین به حبس توسعه داده است. این قانون برای کاهش جمعیت زندانیان و صرفه جویی در هزینه های بودجه عمومی کشور، حداقل و حداکثر مجازات های حبس جرایم قابل گذشت را به نصف تقلیل داده است. به عنوان نمونه اگر جرم خیانت در امانت مطابق ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات دارای مجازات حبس از ۶ ماه تا ۳ سال بود با اصلاحیه قانون اخیرالتصویب به ۳ ماه تا ۱/۵ سال حبس تقلیل یافته و در عداد جرایم قابل گذشت قرار گرفته است.

با بررسی مقرراتی که در خصوص تخفیف مجازات به تصویب رسیده و همچنین آرای که در این زمینه از مراجع قضایی صادر گردیده است به این نتیجه می‌رسیم که رعایت برخی اصول و قواعد در این زمینه لازم و ضروری است که به اختصار توضیحاتی پیرامون آن بیان خواهیم کرد:

الف) عدم شمول تعیین کیفر میان حداقل و حداکثر مجازات به عنوان تخفیف، تعیین کیفر میان حداقل و حداکثر مجازات قانونی جرم، از اختیارات دادگاه بوده و در این خصوص نیازی به رعایت کیفیات مخففه و یا مشدده نمی‌باشد. در مواردی که مجازات جرمی دارای حداقل و حداکثر بوده و دادگاه در حکم خود به جهات و کیفیات مخففه اشاره نموده و ماده مربوط به تخفیف را نیز، ذکر نماید، موظف است مجازات را از حداقل مقرر در قانون کمتر تعیین کند و یا اینکه آن را به مجازات دیگری تبدیل نماید. تخلف از این امر موجب بی‌اعتباری و نقض حکم صادره خواهد بود. وقتی که دادگاه مورد را قابل تخفیف بداند تعیین حداکثر مجازات بی‌تناسب و موجب نقض حکم است عدم رعایت تخفیف درباره متهمی که دادگاه قابل تخفیف دانسته باشد موجب شکست حکم است. اگر با موجود بودن علل مخففه در نظر دادگاه و رعایت آن و استناد به ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی، معذک دادگاه حداکثر مجازات جرم را تعیین کند، این تخلف حکم را از اعتبار می‌اندازد. در صورتی که محکمه مدلول ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی را درباره متهم اعمال نماید، صدور حکم مجازات بین حداقل و حداکثر بی‌مورد و قابل نقض خواهد بود.

ب) الزام دادگاه به تعیین مجازات کمتر از حداقل، در صورتی است که مجازات جرمی دارای حداقل و حداکثر باشد و اگر فرضاً در مواردی نظیر ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مجازات مرتکب حداکثر مجازات قانونی تعیین شده باشد، در این صورت با اعمال کیفیات مخففه ممکن است مجازات مرتکب را از حداکثر تخفیف داده و او را به مجازاتی ما بین حداقل و حداکثر و یا کمتر از حداقل محکوم نمود و صدور حکم ما بین حداقل و حداکثر در این موارد قانونی می‌باشد. مضافاً این که بر اساس تبصره الحاقی به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی (ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹) چنانچه دادگاه در حکم صادره، مجازات حبس را بیش از مجازات حبس مقرر در قانون تعیین کند، مکلف است که به موجب یکی از بندهای مقرر در این ماده یا جهات قانونی دیگر بوده و آن را در حکم خود ذکر نماید. البته این الزام قانونی به سایر مجازات‌ها (شلاق یا جزای نقدی) تسری ندارد.

پ) عدم ذکر جهات و موجبات تخفیف، علاوه بر اینکه موجب بی‌اعتباری حکم صادره می‌باشد، تخلف انتظامی محسوب و موجب محکومیت انتظامی قاضی صادرکننده حکم خواهد بود. در اینجا لازم است این نکته را یادآور شویم که هر چند عدم ذکر علل مخففه در حکم، تخلف انتظامی محسوب

می شود، اما چنانچه دادگاه علل و موجبات تخفیف را در حکم ذکر نماید لکن اشاره ای به ماده مربوط به تخفیف نکند. این امر تخلف انتظامی محسوب نمی گردد. علل و موجباتی که به منظور تخفیف مجازات در حکم دادگاه ذکر می گردد.

ت) جهات تخفیف باید محرز و مطابق با محتویات پرونده باشد و چنانچه محتویات پرونده با آنچه دادگاه به عنوان جهات تخفیف در حکم خود ذکر نموده است تعارض داشته باشد مثل اینکه دادگاه به فقد سابقه کیفری و معیل بودن متهم استناد نماید در حالی که متهم دارای سوابق بوده و عائله ای نیز نداشته باشد، این امر موجب بی اعتباری و نقض حکم خواهد بود.

منابع:

- آقایی نیا، حسین، (۱۳۷۷) تعلیق مراقبتی در دنیا، پژوهشی تطبیقی، چاپ اول، نشر میزان
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲) حقوق جزایی عمومی، جلد اول، چاپ اول، نشر میزان
- ایمانی، عباس (۱۳۸۲) فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، آریان، ج اول
- باهرری، محمد (۱۳۹۴) حقوق جزای عمومی، چاپ اول، نشر نگاه معاصر
- توجهی، عبد العلی (۱۳۹۴)، آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چاپ دوم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۸) ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش
- زراعت، عباس (۱۳۸۱)، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی حقوقی، چ ۳، انتشارات ققنوس
- زراعت، عباس (۱۳۹۲)، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جلد اول، چ ۲، انتشارات ققنوس
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲) حقوق جزای عمومی، چاپ اول، انتشارات طرح نو
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱
- قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸
- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴)، بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ دهم، نشر میزان
- مصدق، محمد (۱۳۹۳)، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چ ۵، انتشارات جنگل
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی (۱۳۹۳)، حمید، دانشنامه جرم شناسی، چاپ ۲، انتشارات گنج دانش.
- نوربها، رضا (۱۳۸۳)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ نهم، نشر دادآفرین،